



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على البشير النذير  
والسراج المنير سيدنا و نبينا أبا القاسم مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ  
و آله و سلم و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين  
سيما بقية الله في الارضين واللعن على اعدائهم اجمعين من  
الآن الى قيام يوم الدين.

خداوند متعال را شکر می کنیم که عمده ی اشتغال ما را در  
علم فقه که بسیار علم شریف و مبارکی است قرار داده  
است، پیغمبر صلوات الله علیه و آله فرمودند: "إِذَا أَرَادَ اللَّهُ  
بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَهَّهُ فِي الدِّينِ"، وقتی خداوند درباره کسی اراده  
خیر فرماید، وی را در امر دین فقیه و دانا می کند و  
حضرت جواد علیه السلام فرمودند: "التَّفَقُّهُ ثَمَنٌ لِكُلِّ غَالٍ وَ  
سَلَّمَ إِلَى كُلِّ عَالٍ"، تفقه و آگاهی دینی بهای هر کالای  
گرانقدر و نردبان ترقی برای جایگاههای بلند پایه است،  
خلاصه خداوند متعال را شاکریم.

فقه ما در واقع به خداوند متعال بر می گردد کما اینکه امام  
صادق علیه السلام در این رابطه فرمودند: "حَدِيثِي حَدِيثُ  
أَبِي وَ حَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي وَ حَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ  
الْحُسَيْنِ وَ حَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ الْحُسَيْنِ وَ حَدِيثُ الْحُسَيْنِ  
حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ  
رَسُولِ اللَّهِ وَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ"  
بنابراین تمام آنچه که در احادیث ما از اهل بیت علیهم  
السلام نقل شده به قول الله عز و جل بر می گردد و این  
فقط به فقه ما که فقه اهل بیت علیهم السلام است  
اختصاص دارد و دیگر فقه ها اینطور نیستند بنابراین  
خداوند متعال را شکر می کنیم که توفیق و سعادت ما این  
است که اشتغال عمده ما اشتغال فقهی می باشد.

خب و اما قبل از تعطیلی بحث قرار شد که امسال بچثمان  
از ارث باشد که کتاب بسیار مهمی می باشد، مقدمه  
مطالبی را عرض می کنیم، اول اینکه در عنوان این کتاب  
برخی گفته اند "کتاب الفرائض" و برخی گفته اند "کتاب  
الموارث" و بعضی ها هر دو را گفته اند، فرائض جمع  
فریضه است و فریضه به معنی مفروضه است و مفروضه  
یعنی آنچه که خداوند متعال قطعه قطعه کرده و تفصیل  
داده زیرا کسی که از دنیا می رود در حقیقت مالش قطعه  
قطعه می شود و آن قطعات تابع تعیین پروردگار متعال  
هستند بنابراین کتاب الفرائض یعنی علمی که در آن قطعات  
مال از جانب خداوند بعد از مرگ مورث معین شده است.  
اما موارث نیز جمع میراث است و اگر معنای مصدری  
برای آن بگیریم یعنی کتابی که در آن انسان بواسطه مرگ  
دیگری مسحق ارث بردن از مال او می شود "استحقاق  
انسان بموت الآخر بنسب أو سبب شیئا"، اما بعضی ها  
هر دو را ذکر کرده اند "کتاب الفرائض والموارث"، که  
بنده نوشته ام در شرایع، خلاف، قواعد و مختلف "کتاب  
الفرائض" ذکر شده و عده ای دیگر مثل نراقی در مستند  
گفته اند "کتاب الموارث" و اما شیخ در مبسوط هر دو را  
گفته "کتاب الفرائض والموارث"، خلاصه فرقی نمی کند و  
مقصود همان است که به عرض محترم رسید.

دوم اینکه این علم بسیار با اهمیت است لذا شیخ در  
مبسوط روایاتی را در باب اهمیت ارث نقل کرده من جمله  
این دو خبر؛

خبر اول: ﴿رَوَى عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله أَنَّهُ قَالَ :  
تَعَلَّمُوا الْفَرَائِضَ (ارث)، وَ عِلْمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّهَا نِصْفُ  
الْعِلْمِ، وَ هُوَ يَنْسَى، وَ هُوَ أَوَّلُ شَيْءٍ يَنْتَزِعُ مِنْ أُمَّتِي﴾<sup>۱</sup>،  
اولین چیزی که از امت من گرفته می شود همین ارث است  
و علتش این است که بعد از پیغمبر خدا چند چیز بوجود  
آمد که همگی با ارث منافات دارند؛ خیر را غصب کردند،

<sup>۱</sup> مبسوط، شیخ طوسی، ج ۴، ص ۶۷، کتاب الفرائض والموارث.

مقدره زائد بر مال باشند یا بالعکس و تعصیب یعنی اینکه برای عصبه ارث قائلند، صاحب جواهر می فرماید این دو مسئله از همان غصب خلافت سرچشمه می گیرد، علی ای حال در باب ارث در ۱۵۲ مورد ما با عامه اختلاف داریم و چون ارث مربوط به مال است مردم عنایت زیادی به مال دارند در احادیث و کتب ما سوال و جوابهای زیادی شده و مسئله خیلی روشن شده است، بنابراین در ارث بیشتر از همه ابواب فقهی بین ما و عامه اختلاف نظر وجود دارد و إن شاء الله فردا احادیثی را خواهیم خواند که اهل بیت علیهم السلام فرمودند اگر روزی ما قدرت پیدا کنیم با شمشیر اینها را وادار می کنیم به آنچه که فقه ما اقتضاء می کند عمل کنند، مثلاً در طلاق ما می گوئیم اولاً باید در طهر غیر مواقعه باشد و ثانیاً با صیغه خاصی باشد و ثالثاً باید دو شاهد عادل حاضر باشند و بشوند اما اهل تسنن هیچکدام از اینها را شرط نمی دانند و بعلاوه در مورد سه طلاقه کردن زن و بعد از آن نیز با عامه اختلاف نظر داریم.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
مُحَمَّد و آله الطاهیرین

فدک را غصب کردند که حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها وقتی به مسجد آمد به ابوبکر فرمود تو ارث میبری اما من ارث نمی برم؟ همه پیغمبران از هم ارث می بردند اما من ارث نمی برم؟ خلاصه خبیر و فدک را غصب کردند، بعلاوه یک حدیثی جعل کردند که "نحن معاشر الأنبياء لا نورث و ما تکرناه صدقة" و اولین کسی که این حدیث را گفت ابوبکر بود و همین را وسیله و بهانه ای برای غصب فدک و خبیر کردند و گفتند هرچه از پیغمبر خدا باقی مانده بیت المال است، این یک حدیث مجعول است زیرا چطور می شود پیغمبر چنین حدیثی فرموده باشد اما فاطمه زهراء و حضرت امیرالمومنین سلام الله علیهما آن را ندانند ولی ابوبکر بدانند؟! بعلاوه این حدیث بر خلاف نص قرآن می باشد.

خبر دوم: ﴿و روی عبد الله بن مسعود أن النبي صلى الله عليه و آله قال: تعلموا القرآن و علموه الناس و تعلموا الفرائض و علموها الناس فإن امرؤ مقبوض، و سيقبض العلم و يظهر الفتن حتى يختلف الرجلان في فريضة و لا يجدان من يفصل بينهما﴾<sup>۲</sup>.

در مورد این روایات باید عرض کنیم که علاوه بر کتب ما این اخبار در کتاب سنن بیهقی نیز ذکر شده، سنن بیهقی تقریباً مانند وسائل ماست و در آن احادیث عامه در ابواب مختلف ذکر شده و بسیار کتاب مهمی می باشد، در جلد ۶ صفحه ۲۰۸ تا ۲۰۹ این دو حدیث ذکر شده.

صاحب جواهر در جلد ۳۹ جواهر ۴۳ جلدی بحث ارث را مطرح کرده و روایات مذکور را نقل کرده.

نکته: بین ما اهل تسنن در ابواب مختلف فقه اختلافاتی وجود دارد اما در باب ارث و طلاق اختلافات از همه ابواب فقهی بیشتر است، ۱۰۲ مورد در طلاق و ۱۵۲ مورد در ارث بین ما و عامه اختلاف وجود دارد، آنها "عول و تعصیب" را قائلند، عول یعنی اینکه سهم ها و فرائض

<sup>۲</sup> مبسوط، شیخ طوسی، ج۴، ص ۶۷، کتاب الفرائض والموارث.